

حارث بن مُضاض: نام دو تن از والیان

جرهمی مکه، پیش از اسلام

حارث بن مضاض بن عمرو نام دو نفر از حاکمان جرهمی مکه است که سال‌ها بر مکه حکم راندند.^۱ همنامی این جد و نواده باعث درهم آمیختن گزارش‌های مربوط به هریک در متون تاریخی شده است.

حارث اکبر: حارث (حرث) بن

مُضاض بن عمرو بن سعد، از نوادگان جرهم، بود که سرپرستی این قبیله را عهده دار شد.^۲ وی پدر حَتَفَاء (الحیفاء، الحنفاء)^۳ (سیده) همسر حضرت اسماعیل علیه السلام^۴ و از رؤسای مکه بود. آغاز حکمرانی حارث، به اختلاف، پس از حکومت پدرش مضاض^۵ بلافاصله پس از حکومت فرزندان اسماعیل، در حالی که فرزندان باقیمانده از اسماعیل خردسال بودند، دانسته شده است.^۶

بر اساس گزارشی، حارث بن مضاض، فرماندهی جرهم* در نبرد با عمالیک را (از دیگر قبایل مهاجر یمنی)، به سرکردگی

سُمیدع بن هوبر (حوثر)، برعهده داشت. بنا به برخی گزارش‌ها، این جنگ، به صلح و سلطه موقت عمالیک بر مکه، منتهی شد.^۷ به موجب اخبار دیگری، با قتل سمیدع، حکومت جرهم ادامه یافت.^۸

بنا بر گزارشی دیگر، جرهمیان پس از ولایت موقت عمالیک بر حرم، ۳۰۰ سال دیگر بر مکه حکم راندند.^۹ در گزارش مسعودی، حارث، پسر عمرو بن مضاض و مدت حکومتش ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال دانسته شده است.^{۱۰} گزارشی دیگر، عمر او را ۴۰۰ سال می‌داند.^{۱۱}

حارث نخستین والی مکه دانسته شده که از زائران مالیات می‌گرفت و جایگاه خود را در مکه، کوه فُعَیْقَعان قرار داده بود. وی در ابتدا تنها بر قسمت بالای مکه سلطه داشت و قسمت فرودست در اختیار سمیدع بود.^{۱۲} حارث در مقابل حمله شاخه‌ای از آزد یمن، به نام دَوس، از مکه دفاع کرد و اکثر جنگجویان

۷. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۲؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۸۳.

۸. المسالک و الممالک، ج ۱، ص ۳۸۲؛ معجم البلدان، ج ۱،

ص ۱۰۵؛ الروض المعطار، ص ۴۹۷.

۹. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳؛ الزهور المقتطفه، ص ۱۳۶.

۱۰. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۴؛ الزهور المقتطفه، ص ۱۳۵.

۱۱. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۳۹۱.

۱۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۲؛ نهایة الارب، ج ۱۶، ص ۲۲؛

صبح الاعشى، ج ۴، ص ۲۶۷.

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۲؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳.

۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۰، ۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۳.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۷؛ فتح الباری، ج ۶، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۴. الاکلیل، ص ۱۲۷؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۳۹۶؛ بحار الانوار،

ج ۱۲، ص ۱۱۲.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۳۹۶.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۲.

شده بود.^۴ به گزارشی، عبدالله بن جدعان* تیمی (از بزرگان بنی تیم از قریش) در جوانی، این مکان را یافت و با برداشتن از گنجینه آن، ثروتمند شد.^۵

◀ **حارث اصغر:** آخرین حاکم جرهمی مکه را حارث بن مضاض بن عمرو بن حارث بن مضاض (حارث اصغر) که نواده حارث اکبر بود، می دانند. در حکومت حارث اصغر، جرهم بر ارتفاع و بنای کعبه افزود و در مکه به تباهی و فساد پرداخت و این بدکاری آنان، فرزندان اسماعیل را که به احترام خویشی خود با جرهم، حکومت را به آنان وانهاده بودند، وادار به پس گرفتن حکومت از آنان کرد.^۶ حارث اصغر را، بنا بر مشهور، پدر جندله، مادر جد دهم رسول خدا ﷺ و رئیس مکه در زمان خود فهر بن مالک دانسته اند.^۷ عمرو (عامر)، فرزند حارث اصغر، هنگام فرار از مکه در حمله بنی خزاعه، حجرالاسود و گنجینه کعبه را - شامل دو آهوی زرین، شمشیرهای مرصع و اشیای دیگر - در چاه زمزم دفن کرد

مهاجم را از بین برد.^۱

از نوادگان حارث، مُعانه، دختر جوشم است که معد بن عدنان، پس از حج خانه خدا، با وی ازدواج کرد و فرزندش نزار (جد هجدهم رسول خدا ﷺ) از نسل اوست.^۲

در برخی منابع، گزارشی از حارث وجود دارد که وی در دوران پیری و فقرش، توسط ایاد بن نزار، به مکه رسانده شد تا به گنج مخفی اش برسد و عطای حارث به ایاد، سبب ثروت و مکنت وی شد. در این خبر، پیشگویی حارث درباره ظهور پیامبر اسلام ﷺ و نیز وجه تسمیه برخی از اماکن مکه توسط حارث بیان شده است.^۳ بر پایه این گزارش، حارث ادعا داشت که عمری ۷۰۰ ساله دارد. بنا به اخباری افسانه گونه، مدفن وی در شکاف یکی از کوه های اطراف مکه، در مکانی به نام دوحه زیتون، در مقبره ای خانوادگی و کنار دیگر حکمرانان جرهمی مکه، درون غاری دانسته شده که در کنارشان، مدت سلطنت و نام هر کدام، بر لوحی نگاشته

۴. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۳۹۱.

۵. الروض الانف، ج ۲، ص ۷۹؛ البداية و النهايه، ج ۲، ص ۲۱۷.

۶. تاريخ البيهقي، ج ۱، ص ۲۲۲؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳؛ البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۱۲۵؛ البداية و النهايه، ج ۲، ص ۱۸۵.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹؛ تاريخ الطبري، ج ۲، ص ۲۶۲؛

البداية و النهايه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۱. تاريخ الطبري، ج ۱، ص ۵۶۰؛ تاريخ ابن خلدون ج ۲، ص ۲۸۶، «پاورقی».

۲. تاريخ الطبري، ج ۱، ص ۵۶۰؛ الكامل في التاريخ، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تاريخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۲۸۶.

۳. نشوة الطرب، ج ۱، ص ۲۹۳؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۷۲؛

سمط النجوم، ج ۱، ص ۲۲۰.

و به همراه قبیله اش به موطن اصلی شان، یمن بازگشت.^۱ در مورد انقراض حکومت جرهمیان گزارش دیگری نیز وجود دارد.^۲ در پی این کوچ اجباری از مکه، حارث بن مضاض در عرب، ضرب‌المثل غریبی و غربت شد^۳ و اشعاری از وی^۴ و فرزندش عمرو^۵ در فراق مکه نقل شده است. عمرو بن ربیعہ (لُحَی) خزاعی را از فرزندان دختر او، فهیره (مهیره) می دانند که بعدها به ریاست مکه دست یافت و اولین کسی بود که دین ابراهیم را تغییر داد.^۶ گزارشی از اسماعیل بن عمر بن کثیر از وجود جسد حارث بن مضاض در اصفهان خبر می دهد که طی فتوحات اسلامی، در زمانی که ابوموسی اشعری فرماندهی سپاه اسلام را بر عهده داشت، به صورت ایستاده و دست به شمشیر کشف شد. در حالی که در لوحی در کنارش نگاشته شده بود: «من حارث

بن مضاض، قاتل اصحاب اخدود، هشتم».^۷ روایتی نیز از عمر طولانی حارث بن مضاض و حضور او در غزوه حنین (سال هشتم) ضد مسلمانان و کشته شدن او در این نبرد وجود دارد که بی تردید، این روایت ناشی از اشتباه در ثبت نام حارث است.^۸

◀ منابع

اعلام الوری باعلام الهدی: الفضل بن الحسن الطبرسی (۴۶۸-۵۴۸ق.)، تصحیح علی‌اکبر غفاری، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۹ق؛ الإکیلی من اخبار الیمن و انساب حمیر: حسن بن احمد الهمدانی (م.۳۳۴ق.)، بیروت، دار الیمینیه، ۱۴۰۸ق؛ انساب الاشراف: احمد بن یحیی البلاذری (م.۲۷۹ق.)، تحقیق سهیل صادق زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار: محمد باقر المجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق.)، تصحیح محمدباقر بهبودی و سید ابراهیم میانجی و سید محمد مهدی موسوی خرسان، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ البدء و التاريخ: المطهر المقدسی (م.۳۵۵ق.)، تحقیق سمیر شمس، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۳م؛ البداية و النهایة فی التاريخ: اسماعیل بن عمر بن کثیر (۷۰۰-۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبته المعارف، ۱۴۱۱ق؛ بهجة النفوس و الاسرار: عبدالله المرجانی (م.۶۹۹ق.)، به کوشش محمد عبدالوهاب، بیروت، دار الغرب الاسلامی،

۱. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ الروض الانف، ج ۲، ص ۱۱؛ الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۴۳.

۲. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۸؛ نشوة الطرب، ج ۱، ص ۲۹۲.

۴. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۳۰۸؛ الغیبه، ص ۱۱۷.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۱۲۵؛ البداية و النهایة، ج ۲، ص ۱۸۶.

۶. المنمق، ص ۲۸۸؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۶۸؛ المنتظم، ج ۲، ص ۲۲۲.

۷. تفسیر ابن کثیر، ج ۸، ص ۳۶۴.

۸. تقریب المعارف، ص ۴۵۵.

المعرفة، بي تا؛ شفاء الغرام باخبار البلد الحرام: محمد بن احمد التقى الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش گروهى از علماء، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۱ق؛ **صبح الاعشى فى صناعة الانشاء**: احمد بن على قلقشندى (م. ۸۲۱ق.)، به كوشش سهيل صادق زكار، دمشق، وزاره الثقافه، ۱۹۸۱م؛ **الغيبه**: محمد بن حسن الطوسى (۳۸۵-۴۶۰ق.)، به كوشش عباد الله تهرانى و على احمد ناصح، قم، انتشارات المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۱ق؛ **فتح البارى شرح صحيح الامام ابى عبدالله محمد بن اسماعيل البخارى**: ابن حجر العسقلانى (۷۷۳-۸۵۲ق.)، شرح عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي و محب الدين خطيب، بيروت، دار المعرفة، بي تا؛ **الكامل فى التاريخ**: على بن محمد بن الاثير (۵۵۵-۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **مروج الذهب و معادن الجوهر**: على بن الحسين المسعودى (م. ۳۴۶ق.)، به كوشش يوسف اسعد داغر، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق؛ **المسالک و الممالک**: عبدالله بن عبدالعزيز البكرى (م. ۴۸۷ق.)، به كوشش ادريان، فان ليوفن واندرى فيرى، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ۱۹۹۲م؛ **معجم البلدان**: ياقوت بن عبدالله الحموى (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **المعمرون والوصايا**: ابوحاتم السجستاني (م. ۲۵۰ق.)، به كوشش عبدالمنعم عامر، دار احياء الكتب العربيه، ۱۹۶۱م؛ **المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم**: عبدالرحمن بن على ابن الجوزى (م. ۵۹۷ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا و نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۲ق؛ **المنطق فى اخبار قريش**: محمد بن حبيب (م. ۲۴۵ق.)، به كوشش خورشيد احمد فاروق، بيروت، عالم الكتب،

۲۰۰۲م؛ **تاريخ ابن خلدون (العبر و ديوان المبتداء و الخبر فى ايام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوى السلطان الاكبر)**: عبدالرحمن بن محمد عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به كوشش خليل شحاده و سهيل صادق زكار، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ق؛ **تاريخ الطبرى (تاريخ الامم و الملوك)**: محمد بن جرير الطبرى (۲۲۴-۳۱۰ق.)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **تاريخ اليعقوبى**: احمد بن ابى يعقوب اليعقوبى (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)**: اسماعيل بن عمر بن كثير (۷۰۰-۷۷۴ق.)، به كوشش محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۹ق؛ **تقريب المعارف**: تقى الدين ابوالصلاح الحلبي (م. ۴۴۷ق.)، به كوشش الحسون، قم، الهدى، ۱۴۱۷ق؛ **الروض الانف فى شرح السيرة النبوية لابن هشام**: عبدالرحمن بن عبدالله السهيلي (م. ۵۸۱ق.)، به كوشش عبدالرحمن الوكيل، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۲ق؛ **الروض المعطار**: محمد بن عبدالمنعم الحميرى (م. ۹۰۰ق.)، به كوشش احسان عباس، بيروت، مكتبة لبنان، ۱۹۸۴م؛ **الزهور المقتطفه من تاريخ مكة المشرفة**: محمد بن احمد التقى الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش محمد حسين الذهبي، مکه، مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۸ق؛ **سمط النجوم العوالى فى ابناء الاوائل و التوالى**: عبدالملك بن حسين العصامى (م. ۱۱۱ق.)، به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۹ق؛ **السيرة النبويه**: عبدالملك بن هشام (م. ۲۱۸ق.)، تحقيق مصطفى السقاء و عبدالحفيظ شبلى و ابراهيم الايبارى، بيروت، دار

۱۴۰۵ق؛ نشوة الطرب فی تاریخ جاهلیة العرب: ابن سعید الاندلسی (م. ۶۸۵ق.)، به کوشش نصرت عبدالرحمن، عمان، الاردن، مكتبة الافق، ۱۹۸۲م؛ نهاية الارب: احمد بن عبدالوهاب النویری (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، دار الکتب والوثائق، ۱۴۲۳ق.

محمد سعید نجاتی



حارث جرهمی ← حارث بن مضاض

حارثة بن سراقه: از انصار و شهدای بدر

حارثة (حارث) بن سراقه بن حارث بن عدی انصاری، از تیره بنی‌نجرار قبیلہ خزرج است.^۱ مادرش ام حارثة ربیع، دختر نضر بن ضمضم، عمه انس بن مالک نیز به همان تیره نسب می‌برد.^۲ از زندگی او، پیش از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، اطلاعی در دست نیست. آن حضرت، در جریان پیمان برادری میان او و سائب بن عثمان بن مظعون جُمحی قرشی یا مَهجع پیمان برادری بست.^۳

حارثه در غزوه بدر، شرکت داشت و بنا بر

قولی، با تیر حبان بن عرقه^۴ که به گلوی وی اصابت کرد، به شهادت رسید.^۵ پس از رسیدن خبر شهادت حارثه، مادرش که بسیار بی‌تابی می‌کرد، خطاب به رسول خدا ﷺ گفت: «شما از محبت من به حارثه آگاهی! اگر بدانم فرزندم در بهشت جای دارد، صبر و شکیبایی خواهم کرد» و پیامبر ﷺ در جواب او، با اشاره به وجود بهشت‌های بسیار، حارثه را در برترین آن‌ها و به عبارتی جای او را در فردوس برین دانست.^۶

در خبر دیگری حارثه، حین تماشای نبرد بدر یا هنگام آشامیدن از آب حوض یا هنگام بیرون آمدن برای آگاهی از وضعیت دشمن، با اصابت تیری به شهادت رسید.^۷ برخی شهادت حارثه را در غزوه احد دانسته‌اند.^۸

به نقل برخی منابع، حارثه از همسرش شقیقه، دختر مالک بن قیس، دو فرزند به نام‌های عبدالله و ام عبید داشت.^۹ این درحالی است که برخی این دو را برادر و خواهر حارثه

۴. المغازی، ج ۱، ص ۶۵، ۱۴۶؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۲؛ عیون الاثر، ج ۱، ص ۲۹۹.

۵. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۰۷؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۲۵.

۶. الطبقات، ج ۳، ص ۳۸۸؛ البدایة و النهایه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۴۰-۳۴۱.

۷. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۰۸؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۲۵.

۸. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۲۵۳.

۹. الطبقات، ج ۸، ص ۳۰۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۰۳.

۱. تاریخ خلیفه، ص ۱۵۴؛ الاصابه، ج ۱، ص ۶۷۰؛ الانساب، ج ۹، ص ۲۵۳.

۲. الطبقات، ج ۳، ص ۳۸۷؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۰۷؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۲۵.

۳. الطبقات، ج ۳، ص ۳۸۷؛ المنتظم، ج ۳، ص ۷۶.